

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و الهیات
بخش الهیات

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیوسته
رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

مشروعیت جبران خسارت وارد به حقوق معنوی کودک در فقه امامیه

مؤلف:

نازنین موذن پور کرمانی

استاد راهنما:

دکتر سیده فاطمه طباطبایی

استاد مشاور:

دکتر میثم تارم

بهمن ۱۳۹۶

ب



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش حقوق

این پایان نامه با عنوان " مشروعیت جبران خسارت وارد به حقوق معنوی کودک در فقه امامیه " توسط خانم نازنین موذن پور کرمانی دانشجوی رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی با شماره دانشجویی ۹۴۱۶۰۰۱۰ تدوین شده است و در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۶ با درجه و نمره مورد پذیرش هیئت محترم داوران قرار گرفت.

این پایان نامه هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره کارشناسی ارشد شناخته نمی شود.

سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	نام محل خدمت	امضاء
استاد راهنما	سیده فاطمه طباطبایی	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	
استاد مشاور	میثم تارم	استادیار	دانشگاه شهید باهنر	
داور اول				
داور دوم				

نماینده تحصیلات تکمیلی	معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و نام خانوادگی:	نام و نام خانوادگی:
امضاء	امضاء

حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

به نام خدا
مشور اخلاق پژوهش

با استغانت از خدای سبحان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ماست و به منظور انجام شایسته‌ی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بسازی زندگانی بشر، ما دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشگاه ما و پژوهشگاه‌های کشور:

- تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از هرگونه جعل و تحریف در خیالیت‌های علمی پرهیزی کنیم.
- حقوق پژوهشگران، پژوهیدگان (انسان، حیوان، گیاه و اشیاء)، سازمان‌ها و سایر صاحبان حقوق را به رسمیت می‌شناسیم و در حفظ آن می‌کوشیم.
- به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی ارجح می‌نیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهتمام ورزیده و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم.
- ضمن پایبندی به انصاف و اجتناب از هرگونه تبعیض و تعصب، در کلیه خیالیت‌های پژوهشی، رهیافتی قنادانه اتخاذ خواهیم کرد.
- ضمن امانت‌داری، از منابع و امکانات اقتصادی انسانی و فنی موجود استفاده بهره‌ورانه خواهیم کرد.
- از اتمار غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر اتمار موازی، پوشان و چندگانه‌اکی‌ای پرهیزی کنیم.
- اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام خیالیت‌های پژوهشی خود قرار می‌دیم.
- در همه خیالیت‌های پژوهشی به منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم.
- خویش را ملزم به رعایت کلیه بهارهای علمی رسته خود، قوانین و متردات، سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی و راهبردهای ملی در همه مراحل پژوهش می‌دانیم.
- رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اقدامی فرهنگی می‌دانیم و به منظور بالندگی این فرهنگ، به ترویج و اشاعه‌ی آن در جامعه اهتمام می‌ورزیم.



تعهدنامه

اینجانب نازنین موذن پور کرمانی به شماره دانشجویی ۹۴۱۶۰۰۱۰ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده پایان نامه با عنوان " مشروعیت جبران خسارت وارد به حقوق معنوی کودک در فقه امامیه " تحت راهنمایی سیده فاطمه طباطبایی تأیید می‌کنم که این پایان‌نامه نتیجه پژوهش اینجانب می‌باشد و در عین حال که موضوع آن تکراری نیست، در صورت استفاده از منابع دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج شده است. همچنین موارد زیر را نیز تعهد می‌کنم:

۱- برای انتشار تمام یا قسمتی از داده‌ها یا دستاوردهای پایان‌نامه خود در مجامع و رسانه‌های علمی اعم از همایش‌ها و مجلات داخلی و خارجی به صورت مقاله، کتاب، ثبت اختراع و به صورت مکتوب یا غیرمکتوب، با کسب مجوز از دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد(ان) راهنما اقدام نمایم.

۲- از درج اسامی افراد خارج از کمیته پایان‌نامه در جمع نویسندگان مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه، بدون مجوز استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم و اسامی افراد کمیته پایان‌نامه را در جمع نویسندگان مقاله درج نمایم.

۳- از درج نشانی یا وابستگی کاری (affiliation) نویسندگان سازمان‌های دیگر (غیر از دانشگاه شهید باهنر کرمان) در مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه بدون تأیید استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم.

۴- کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوط به استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها را برای انجام پایان‌نامه رعایت نمایم.

۵- در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری، متعلق به دانشگاه شهید باهنر کرمان است و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست. همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد. چنانچه مبادرت به عملی خلاف این تعهدنامه محرز گردد، دانشگاه شهید باهنر کرمان در هر زمان و به هر نحو مقتضی حق هرگونه اقدام قانونی را در استیفای حقوق خود دارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: نازنین موذن پور کرمانی

امضا و تاریخ:

^۱ تنها آدرس مورد قبول برای دانشگاه به این صورت می‌باشد:

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

نام و آدرس واحدهای دانشگاه در تولیدات علمی محققان دانشگاه به تشخیص بخش و دانشکده به شرح زیر می‌باشد:

Department of Theology, Faculty of Law and Theology Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

آدرس صحیح جهت درج در مقالات و سایر تولیدات علمی فارسی:

گروه (بخش) الهیات، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

تقدیم به:

تقدیم به مادرم

کوبی استواروحامی من در طول تمام زندگی

سنگ صبوری که انبهای زندگی به من آموخت

و در سایه بهیاری وهدلی او به این منظور نائل شدم.

تشکر و قدردانی:

بر خود واجب می‌دانم از اساتید فرزانه‌ام کمال تشکر را داشته باشم، بزرگوارانی که در این مقطع تحصیلی از علم بی‌دریغشان بهره‌جستم. بهترین تقدیر خویش را به اساتید ارجمند «دکتر سیده فاطمه طباطبایی» و «دکتر میثم تارم» تقدیم می‌کنم که با راهنمایی‌های حکیمانه ایشان، انجام این پژوهش برایم میسر گردید.

چکیده:

از نظر دین اسلام کودک از بدو تولد تا زمانی که به رشد فکری و جسمی می‌رسد همواره دارای حقوق مادی، معنوی، فرهنگی و... می‌باشد. حقوق معنوی کودک به حقوقی گفته می‌شود که به نحوی با هویت و شکل‌گیری شخصیت عاطفی، دینی، عقلانی او مرتبط می‌شود که می‌توان به حق هویت، حق آموزش و پرورش، حق آزادی و حق تمامیت جسم و روان اشاره کرد که رعایت آن نقش بسزایی در شکل‌گیری آینده و شخصیت کودک و همچنین ترقی و پیشرفت اجتماع خواهد داشت. از آن جا که امروزه کمتر به اهمیت حقوق معنوی کودکان پرداخته شده است و در فقه نیز جبران ضررهای معنوی، به نحو برجسته‌ای تبیین نشده است، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی مشروعیت جبران خسارت وارد به حقوق معنوی کودک در فقه امامیه مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج گویای آن است که قابل جبران بودن خسارت مادی در فقه شیعه امری مسلم است. اما در زمینه جبران و نحوه‌ی ارزیابی خسارت معنوی دو دیدگاه موافق لزوم جبران خسارات و دیگری مخالف آن به چشم می‌خورد. مخالفان استدلال نموده‌اند که نه تنها تقویم خسارات معنوی به پول، دشوار است بلکه نوعی اهانت به شخصیت بزه‌دیده (کودک) تلقی می‌گردد. در مقابل موافقان بر این عقیده می‌باشند که جبران خسارت معنوی راهی است برای تسکین آلام و تأمین خرسندی‌های معنوی و ترمیم خاطر بزه‌دیده و پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده راه دستیابی به این اهداف را هموار می‌سازد. از نظر مبانی فقهی نه تنها حکم به جبران خسارت معنوی منع نشده است، بلکه علاوه بر آیات شریف قرآن می‌توان به قواعدی همچون «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» «لا حرج» «المغرور یرجع الی من غر» و «بنای عقلاء» و «عرف» استناد کرد که این قواعد می‌تواند در جواز مطالبه خسارات معنوی در فقه کارگشا باشند.

واژگان کلیدی: حقوق معنوی، کودک، جبران خسارت، فقه امامیه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱- کلیات طرح.....	۲
۱-۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۱-۲- بیان مسئله.....	۳
۱-۱-۳- ضرورت انجام تحقیق.....	۳
۱-۱-۴- اهداف تحقیق.....	۴
۱-۱-۵- سوالات تحقیق.....	۴
۱-۱-۶- پیشینه تحقیق.....	۴
۲-۱- مفاهیم.....	۷
۱-۲-۱- کودک.....	۷
۲-۲-۱- حقوق معنوی.....	۱۰
۲-۲-۳- مصادیق حقوق معنوی کودک.....	۱۲
۲-۳-۱- حق هویت.....	۱۲
۲-۳-۲- حق آموزش و پرورش.....	۱۶
۲-۳-۳- حق آزادی.....	۲۰
۲-۳-۴- حق تمامیت جسم و روان.....	۲۲
۲-۴-۱- خسارت معنوی.....	۲۳

۲۴	۱-۲-۴-۱- جبران خسارت
۲۶	۱-۲-۴-۲- جبران خسارت معنوی
۲۸	۱-۳-۳- مبانی نظری
۲۹	۱-۳-۱- ماهیت خسارت معنوی
۳۰	۱-۳-۲- مصادیق و انواع خسارت معنوی
۳۲	۳-۳-۱- آسیب‌های جسمانی و ارتباط آن با خسارت معنوی
۳۳	فصل دوم: ادله‌ی فقهی قائلین به لزوم جبران خسارت به حقوق معنوی کودک
۳۴	مقدمه
۳۴	۱-۲- قائلین به لزوم جبران خسارت حقوق معنوی کودک
۳۴	۱-۱-۲- جایگاه قانونی خسارت معنوی
۳۶	۱-۱-۲- نظر حقوق‌دانان
۴۰	۲-۱-۱-۲- نظر فقیهان
۴۳	۲-۱-۲- دلایل موافقان جبران خسارت معنوی به طریق مادی
۴۴	۳-۱-۲- ضرورت جبران خسارت معنوی در حقوق
۴۷	۴-۱-۲- ضرورت جبران خسارت حقوق معنوی کودک از دیدگاه فقه
۵۳	۴-۱-۲- استناد به قاعده‌ی لاضرر در اثبات جبران خسارت حقوق معنوی کودک
۷۷	فصل سوم: ادله فقهی قائلین به عدم لزوم جبران خسارت به حقوق معنوی کودک
۷۸	مقدمه
۷۸	۱-۳- نقد و بررسی دلایل مخالفان جبران خسارت معنوی کودک

- ۱-۲-۳- دلایل مخالفان جبران خسارت معنوی کودک از دیدگاه حقوق..... ۷۸
- ۱-۱-۲-۳- ایراد نظری ۷۸
- ۲-۱-۲-۳- ایراد عملی و کاربردی ۷۹
- ۳-۱-۲-۳- ایراد اخلاقی ۷۹
- ۴-۱-۲-۳- نامشروع بودن جبران خسارت معنوی ۸۰
- ۵-۱-۲-۳- ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۸۱
- ۲-۱-۳- دلایل مخالفان جبران خسارت معنوی کودک از دیدگاه فقه ۸۲
- نتیجه‌گیری ۸۷
- پیشنهادات ۸۹
- فهرست منابع و مآخذ ۹۰

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱- کلیات طرح

۱-۱-۱- مقدمه

عدم رشد بدنی، عقلی و روانی کودک، ضریب آسیب‌پذیری او را در طول زندگی و برخورد او با مسائل و مشکلات پیش رو را بالا می‌برد. در متون روایی اسلام اشاره به رعایت حقوق کودکان به طور گسترده به چشم می‌خورد که می‌توان به روایت «ان الله عزوجل لیس بغضب لشی کغضبه للنساء و الصبیان» (الکلبینی، ۱۴۰۱هـ، ج ۸، ص ۵۰) یعنی خداوند بر هیچ چیز به اندازه تخلف و تجاوز به حقوق زنان و کودکان غضب نمی‌کند اشاره کرد. حمایت ویژه از کودکان بدان جهت است که از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند. عدم رشد فیزیکی و عقلی، و نیاز مبرم به آرامش و امنیت روحی، کودک را در شرایطی قرار می‌دهد که نیازمند مراقبت و حمایت باشد. استعداد، رشد جسمی، قابلیت توسعه ذهنی و اجتماعی، حس کنجکاوی و ویژگی‌های روانی هریک سندی هستند که ما را به شناسایی حقوق متنوع کودکان رهنمون می‌کنند (موذن زادگان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). حقوقی چون آموزش، تربیت، نام، آزادی، نسب، تابعیت، توارث، حیات، دین و مذهب، محبت از جمله حقوق کودک به شمار می‌آیند. حمایت از حقوق مادی و معنوی کودک نیازمند شناسایی و رعایت آن است تا کودک از هرگونه لطمه جسمی و روحی در امان باشد. حقوق معنوی کودک مانند حقوق مادی او از اهمیت بالایی برخوردار است و به حقوقی اطلاق می‌شود که به نحوی با هویت و شکل‌گیری شخصیت عاطفی، عقلانی و فکری او مرتبط است. زیرا شخصیت کودک رفتار او را خواهد ساخت و در نقش‌آفرینی او در خانواده، مدرسه و به طور کلی در اجتماع نقش پررنگی را ایفا می‌کند زیرا هر جامعه‌ای را افراد آن جامعه می‌سازد. سلامت روانی کودک باعث می‌شود تا بچه‌ها خوب تفکر نمایند، پیشرفت اجتماعی داشته و مهارت‌های جدید را به خوبی بیاموزند. با توجه به نکات مهمی که در رعایت حقوق معنوی کودک وجود دارد متأسفانه توجه جدی به این حقوق نمی‌شود و به طور برجسته به آن پرداخته نشده است که می‌توان آن را چالش عصر حاضر دانست، در صورتی که اگر به این حقوق توجه نشود، خساراتی از لحاظ روحی، عاطفی و هویتی به کودک وارد می‌گردد و احتمال اینکه کودک به دلیل سهل‌انگاری والدین یا اجتماع دچار آسیب‌های اجتماعی شود زیاد خواهد بود. حال اگر حقوق معنوی کودک نادیده گرفته شود و خساراتی به او وارد گردد فرد یا جامعه مسئول است در نتیجه باید شیوه‌های جبران خسارت به این حقوق با ارائه راهکارها مورد بررسی قرار گیرد تا لطمات وارد شده قابل جبران باشد.

۱-۱-۲- بیان مسئله

از نظر دین اسلام کودک از بدو تولد تا زمانی که به رشد فکری و جسمی می‌رسد همواره دارای حقوق مادی، معنوی، فرهنگی و... می‌باشد که تامین آنها به عهده والدین و اجتماع است. حقوق معنوی کودک از جمله مهم‌ترین حقوقی است که باید به رعایت آن اهتمام و توجه خاصی شود زیرا ممکن است نادیده گرفتن آن زندگی کودک را تحت‌الشعاع قرار دهد. حقوق معنوی کودک به حقوقی گفته می‌شود که به نحوی با هویت و شکل‌گیری شخصیت عاطفی، دینی، عقلانی او مرتبط می‌شود که از جمله مصادیق آن می‌توان به حق هویت، حق آموزش و پرورش، حق آزادی و حق تمامیت جسم و روان اشاره کرد.

ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی کودک ایجاب می‌نماید که او علاوه بر حقوق اولیه انسانی از حمایت و مراقبت ویژه‌ای در قالب نظام حقوقی بهره‌مند شود.

حال با توجه به آسیب‌پذیری این قشر از جامعه و تاثیر سلامت آنها از لحاظ جسمی و روحی برای ساختن فردایی بهتر برای جامعه باید حقوق کودکان در ابتدای امر شناخته شود و بعد از آشنایی با آنها مورد توجه ویژه قرار گیرند و این در حالی است که در فقه اسلامی در ارتباط با جبران خسارت به حقوق معنوی به صورت مبسوط و مشخص اشاره نشده است و می‌توان این را یک چالش به حساب آورد که در صورت ایجاد خسارت به حقوق معنوی کودک جبران آن مشخصاً چگونه خواهد بود؟ در نتیجه باید شیوه‌های جبران خسارت از منظر فقه شیعه تبیین شود تا لطمات جبران گردد.

۱-۱-۳- ضرورت انجام تحقیق

با توجه به فراگیری آسیب‌های اجتماعی به عنوان بزرگترین چالش قرن حاضر و پایمال شدن حقوق معنوی کودکان در ایران به منظور پیشگیری از مسائل روحی، روانی و دینی برای کودکان توجه به این دسته از حقوق آنها بسیار ضروری و مهم است.

متأسفانه امروزه کمتر به اهمیت حقوق معنوی کودکان پرداخته شده است و عامه مردم آشنایی زیادی با این مقوله مهم و با ارزش ندارند، در حالی که رعایت آنها نقش بسزایی در شکل‌گیری آینده و شخصیت کودک و همچنین ترقی و پیشرفت اجتماع خواهد داشت. در فقه اسلامی جبران ضررهای معنوی، به نحو برجسته‌ای تبیین نشده است اما شیوه‌های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، در فقه نیز

قابل پذیرش به نظر می‌رسد، زیرا روش‌های جبران خسارت معنوی، اموری نسبی و برآیندی از اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی هر عصر هستند؛ و از سکوت و عدم ردع شارع می‌فهمیم صرفاً منوط به یک مبحث خاصی نیست (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

باتوجه به اثرات مخرب روحی و روانی که در نتیجه نادیده گرفتن حقوق معنوی کودکان متوجه آن‌ها می‌شود ضرورت دارد تا ضمن پرداختن به این مقوله مهم و حیاتی همگان با این حقوق آشنا شوند و با توجه به فقه شیعه شیوه‌های جبران خسارت ناشی از عدم توجه به این حقوق مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱-۴- اهداف تحقیق

- تبیین حقوق معنوی کودکان از حیث معنا
- تبیین حقوق معنوی کودکان از حیث مصداق
- تبیین شیوه‌های جبران خسارتی که به حقوق معنوی کودکان وارد می‌شود از منظر فقه شیعه
- جلوگیری از ضایع شدن حقوق کودکان با تبیین مبانی فقهی آن

۱-۱-۵- سوالات تحقیق

سوال اصلی: مشروعیت جبران خسارت وارده به حقوق معنوی کودک در فقه امامیه چگونه است؟
سوالات فرعی

- ادله فقهی قائلین به لزوم جبران خسارت به حقوق معنوی کودک چیست؟
- ادله فقهی قائلین به عدم لزوم جبران خسارت به حقوق معنوی کودک چیست؟

۱-۱-۶- پیشینه تحقیق

۱- "شیوه‌های جبران خسارت معنوی در زندگی مشترک زوجین"، مراد زاده، حسن، رضوی، فهیمه سادات، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۳۹۵، سال ۲۱، شماره ۶۴. در این مقاله از حقوق غیر مالی زوجین در خانواده در رابطه با حقوق مربوط به شخصیت افراد بحث شده است. خانواده را در برابر خسارات معنوی شکننده‌ترین نهاد بیان کرده است، از همین رو نقش روش‌های جبران این نوع خسارات در تداوم خانواده تعیین کننده دانسته است.

۲- "جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق ایران"، محمودی، سعیده، مرادخانی، احمد، ۱۳۹۵، مطالعات فقهی و فلسفی، سال ششم، شماره ۲۲. در این مقاله آمده است که هدف کلی حقوق، ایجاد نظم و استقرار عدالت است با وجود آن که انسان دارای ۲ بعد مادی و معنوی است؛ اما حقوق مدنی صرفاً به بعد مادی می‌پردازد و با اهمیت دادن به این جنبه در پی دستیابی به اهداف بزرگی همچون حفظ نظم، استقرار عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و رفع خصومت است در نظام حقوقی اسلام، مصالح اجتماعی باید به شکلی تامین شود که تحصیل کمالات نفسانی و ارتقای درجات معنوی را امکان‌پذیر سازد. در این راستا باید مشروعیت جبران ضررهای معنوی از راه‌های مالی و غیر مالی اثبات شود. همان گونه که حقوق باید اموال منقول و غیر منقول اشخاص را از تعرض و تجاوز حفظ نماید ضرورت دارد قواعد الزام‌آوری پیش‌بینی شوند تا حیثیت، اعتبار و متعلقات غیر مادی افراد را از توهین‌ها، تهمت‌ها، دسیسه‌ها و تعرضات حفظ کند علیرغم وجود زمینه‌های مناسب در متون قانونی جهان امکان جبران خسارت معنوی هنوز به طور جامع وجود ندارد و اکثریت قریب به اتفاق محاکم از صدور حکم در مورد دعاوی بخواسته خسارت معنوی خودداری می‌نمایند در صورتی که متون قانونی فعلی به اندازه کافی روشن می‌باشد و موجبات احقاق حقوق بسیاری از خسارت‌دیدگان که در قلمرو حقوق معنوی زیان‌های جبران‌ناپذیری تحمل کرده‌اند کاملاً فراهم است. همچنین در فقه مبین اسلام نیز قواعدی وجود دارد که بر جبران خسارت معنوی تأکید می‌کند.

۳- "معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران"، قرا ملکی و همکاران، نشریه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳، این مقاله با بررسی و نقد تعاریف متعدد موجود، در ارائه تعریفی دوباره از حق معنوی، آن را مفهومی مجزا از حق فکری و حق اخلاقی و حقوق مربوط به شخصیت دانسته که دارای رابطه منطقی با این مفاهیم است. در این معنا، حق معنوی، حقی مبتنی بر مصالح ضروری پنج‌گانه انسان و جهت حمایت از مصالح معنوی شخصیت تعریف شده است که دامنه مصادیق آن، منبعث از همان مصالح ضروری پنج‌گانه است. در ادامه در تبیین معنای مصلحت معنوی شخصیت انسان و جایگاه ارزشی حق معنوی در بین سایر حقوق، با مقایسه مبانی نظری مصالح معنوی شخصیت در حقوق اسلام و غرب، مصادیق حق معنوی را مبتنی بر هر دو نیاز طبیعی و متعالی بشر دانسته است.

۴- "جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق"، نیک فرجام، زهره، پژوهشنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۳۹۲، سال ششم، شماره ۱۱. در این مقاله از جبران خسارت معنوی بحث شده است. چگونگی جبران و

نحوه ارزیابی جبران خسارت معنوی و نبود معیار و ملاک مشخص برای جبران خسارت معنوی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- "اصل قابلیت جبران کلیه خسارات"، خادم سربخش، مهدی، پژوهشنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۳۹۲، سال ششم، شماره ۱۲. گاه یکی از اصول بنیادین حقوق مسئولیت مدنی که از سوی بعضی از حقوقدانان و نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات» یا «اصل لزوم جبران ضرر» می‌باشد. این اصل که در حقوق فرانسه مورد پذیرش قرار گرفته و در دکترین حقوق ایران نیز از اقبال گسترده برخوردار است، قدمتی بیش از یک قرن ندارد و هنوز نیز در بسیاری از نظام‌های حقوقی با انکار و تردیدهای زیادی روبه‌رو می‌باشد. همچنین درباره جبران کلیه خسارات و پذیرش و یا عدم پذیرش آن در اسلام بحث شده است.

۶- "حقوق معنوی کودک بر ولی در ایام ولادت"، برگرفته از سایت www.isuw.ac.ir در این پژوهش از نامی نیکو، حق زندگی و مدت شیر دهی کودک بحث می‌شود.

۷- "حقوق کودکان و وظایف والدین از دیدگاه قانون مدنی" برگرفته از سایت www.mvq.ir در این پژوهش رعایت حقوق کودکان از دیدگاه قانون مدنی بر اساس مواد قانونی بحث شده است.

۸- "حقوق معنوی کودک در فقه و حقوق اسلامی"، پایدار پویا، نرگس وهمکاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۷. هدف پژوهش شناسایی حقوق معنوی کودک و تقسیماتی که در خصوص آن وارد شده و نیز شناخت موضع نظام حقوقی اسلام نسبت به حقوق معنوی کودک بوده است. نتیجه اینکه اسلام هیچگاه حقوق کودک را فراموش نکرده و رمز بقاء فرد، خانواده و جامعه بشریت را در توجه به کودکان که آینده‌سازان فردا هستند دانسته است و بیان این مسائل از زبان اسلام به پانزده قرن پیش بر می‌گردد در حالی که جامعه انسانی بعد از ۱۵ قرن به فکر تدوین حقوقی برای کودکان در قالب کنوانسیون و ... افتاده است.

۹- "نظریه جبران خسارت به حقوق معنوی کودک"، نقیبی، ابوالقاسم، ندای صادق، ۱۳۸۳، شماره ۲۳. در این مقاله آمده است که حقوق معنوی کودک به حقوقی گفته می‌شود که به نحوی با هویت و شکل‌گیری شخصیت عاطفی، عقلانی و فکری او مرتبط می‌باشد؛ حق تابعیت، حق نسب و حق آموزش و پرورش از جمله حقوق معنوی کودک به شمار می‌آیند. نگارنده با شناسایی این حقوق در مجموعه تعالیم تربیتی و حقوقی اسلام، تجاوز و تخلف از حقوق معنوی کودک را منشأ مسؤولیت دنیوی و

اخروی، اخلاقی، مدنی و کیفری دانسته است. استقراء مفاهیم تربیتی امکان و تأمل در سیاق ادله متضمن این مفاهیم، گذر از مسؤولیت اخلاقی به مسؤولیت مدنی را برای زیانکار میسر می‌سازد. نویسنده همچنین با بهره‌گیری از روش اجتهادی به استناد قواعد فقهی لاضرر، حرج و بنای عقلای مبانی فقهی نظریه جبران خسارت به حقوق معنوی کودک را ارائه نموده است.

۱-۲- مفاهیم

در این قسمت از پژوهش ابتدا به طور مختصر به تبیین مفاهیم پرداخته و سپس راجع اقسام و انواع آن سخن گفته شده است.

۱-۲-۱- کودک

در لغت فارسی طفل به معنای بچه، کودک، نوزاد، خردسال، خرده و ریزه از هر چیزی می‌باشد و جمع آن اطفال است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۲۴۵۲). واژه دیگری که در این معنی به کار می‌رود و از عربی به فارسی آمده است کلمه «صبی» می‌باشد، در معنای صبی گفته‌اند: «کودکی که به احتلام نرسیده است». این کلمه بصورت فعل نیز در زبان عربی به کار رفته است و به معنای ذوق زده شدن و کارهای کودکانه انجام دادن می‌باشد (قریشی، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۱۰۹). صبی مفرد بوده و جمع آن صبیان است. کلمه صغیر نیز از واژه‌های مترادف طفل است. صغیر در لغت به معنای فرد کوچک، کم سال، کم سن و در مقابل کبیر می‌باشد و جمع آن صغار است (معین، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳۰). در اصطلاح، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

گذشته از مفاهیم لغوی و اصطلاحی در نظام حقوقی هر کشور علی‌الاصول طفل یا صغیر دارای تعریف معینی است که البته بین این تعاریف اختلافاتی وجود دارد. هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌های بین‌المللی در نزدیک ساختن این تعاریف اعمال شده است، در اعلامیه جهانی حقوق کودک سال ۱۹۵۹ راجع به حقوق کودک مطالب مهمی ذکر گردیده است ولی تعریف مشخصی از کودک در آن دیده نمی‌شود. در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در دهه‌ی ۱۹۷۰-۱۹۶۰ بدون این که تعریفی از کودک شده باشد کودکان در یکی از طبقات زیر قرار گرفته‌اند و از هم متمایز می‌شوند: (اشتیاق، ۱۳۷۳، ص ۲۸).

- ۱- کودکانی که کاملاً وابسته به خود هستند و هنوز به مدرسه نمی‌روند (سن بین ۶ تا ۸ سال).
 - ۲- کودکانی که در آن واحد برای رشد و تکامل خود هم به خانواده و هم به مدرسه در جهت اجرای تعلیمات اجباری وابستگی دارند (سنین ۱۲ تا ۱۳ سال).
 - ۳- جوانان و نوجوانانی که مرحله آخر قبل از رسیدن به رشد کامل و بالغ شدن را می‌گذرانند و کلیه موسسات دولتی تصدی امور آن‌ها را بر عهده داشته و رسیدگی می‌نمایند.
- چنانکه ملاحظه می‌شود در گزارش مزبور نیز تعریف و حدود سنی دقیق برای کودک ذکر نشده است تا قابلیت انطباق به تعاریف مختلف کشورها را حفظ نماید لیکن در مقایسه با اعلامیه‌ی جهانی کودک سال ۱۹۵۹ قدم‌هایی را به این سمت برداشته است. بالاخره در ماده ۱ از کنوانسیون حقوق کودک سال ۱۹۸۹ چنین آمده است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجراء در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». در این ماده پایان سن بلوغ ۱۸ سال تمام یا کمتر از آن مطابق قانون تعیین شده است. در اکثر کشورها علاوه بر تعریفی که از طفل نموده‌اند به تقسیم‌بندی اطفال به حداقل دو گروه سنی نیز مبادرت ورزیده‌اند. گروه سنی که از بدو تولد آغاز می‌شود و مطلقاً فاقد مسئولیت است و هیچ واکنشی علیه او نسبت به عمل هرچند به ظاهر مجرمانه وی نشان داده نمی‌شود. و گروه دیگری که ممکن است مشمول اقداماتی تأمینی و تربیتی گردد. در برخی مواد سن خاص فاصله بین این دو طبقه تعیین نشده است بلکه ظهور عواملی نظیر قوه تمیز ملاک قرار گرفته است.
- در مورد تعریف کودک و تعیین محدوده دوران کودکی نمی‌توان به صورت قاطع صحبت کرد، زیرا اختلاف نظرهای بسیاری در مورد تعریف طفل وجود دارد. این اختلاف‌های موجود در تعیین دامنه دوران کودکی امری نیست که نتیجه اختلاف سلیقه‌های شخصی باشد در واقع این امر ناشی از متغیر بودن دوران کودکی در افراد مختلف است. بر اساس دیدگاه روانشناسان و کارشناسان تربیتی پایان دوران کودکی در افراد مختلف، متفاوت است؛ در یکی زود پایان می‌پذیرد و در دیگری دیرتر و این امری نیست که در کنترل افراد باشد، بلکه مقوله‌ای غیر ارادی و غیر قابل کنترل است و همین عامل باعث می‌شود که هرگاه نوبت به تعریف کودک و تعیین محدوده دوران کودکی می‌رسد تعاریف گوناگونی ارائه می‌شود و هر گروه با توجه به متغیرهای رشته تخصصی خود تعریف‌های متفاوتی را از کودک و

دوران کودکی ارائه می‌دهد (کلمن^۱، ۱۹۹۸). اما به ناچار باید کودک را بطور دقیق بشناسیم تا بتوانیم در این دوران، که مهم‌ترین دوران زندگی او محسوب می‌شود، اطفال را مورد حمایت قانون قرار دهیم. منظور از کودک و نوجوان در حقوق کیفری، فردی است که فاقد شرایط لازم روحی-ذهنی، جسمی و اجتماعی برای پذیرش مسئولیت یا مسئولیت کامل در پاسخگویی نسبت به نقض قوانین کیفری است (موذن زادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳). به عبارت دیگر، کودک به معنای وسیع کلمه به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، ۱۳۸۷، ص ۵). با استفاده از آیات قرآن کریم می‌توان طفولیت را دوره‌ای دانست که از تولد آغاز می‌گردد و با بلوغ خاتمه می‌یابد. خداوند حکیم می‌فرماید: «و نَقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ» (سوره حج آیه ۴) «..... طفلاً ثم لتبلغوا أشدكم ...؛ واز نطفه‌ها آنچه مشیت ما تعلق گیرد در رحم‌ها قرار می‌دهیم تا بوقت معین شما را که طفل هستید بیرون آریم تا زندگی کنید و به حد بلوغ برسید...» (سوره حج/۴). همچنین در آیه شریفه دیگری آمده است: «هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم ینخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا أشدکم ثم لتکونوا شیوخاً و منکم من یتوفى من قبل ولتبلغوا اجلاً مسمى ولعلکم تعقلون؛ او کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از علقه‌ای، سپس شما را بصورت طفلی از شکم مادر بیرون آورد، بعد به مرحله کمال قوت می‌رسید، و بعد از آن پیر می‌شوید؛ و گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند، و در نهایت به عجل حتمی خود می‌رسید؛ شاید بیندیشید» (سوره غافر/۶۷).

همچنین در آیه شریفه دیگری راجع به بلوغ که یکی از علائم آن احتلام است و شروع مرحله جدیدی پس از بلوغ است چنین می‌فرماید: «و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستأذنوا کما یستأذن الذین من قبلهم ...؛ و آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر افراد بالغ پیش از خود با کسب اجازه وارد شوند...» (سوره نور/۵۹).

در واقع قرآن کریم در سوره های نساء/ ۶؛ انعام/ ۱۵۲؛ یوسف/ ۲۲؛ اسراء/ ۲۴؛ کهف/ ۸۲؛ قصص/ ۱۳؛ نمل/ ۶۶؛ احقاف/ ۱۵ به این موضوع اشاره نموده و در مجموع سه معیار: بلوغ اللحم، بلوغ النکاح و بلوغ اشد را ذکر کرده است. با توجه به این معیارها می‌توان گفت مسأله بلوغ در قرآن کریم با عباراتی

¹ Coleman